

تأثیر اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان با نقش واسطه گری سبک های فرزندپروری والدین: مورد مطالعه دانش آموزان پسر پایه ی ششم برازجان

ماه بانو افروزچی^۱، فاخته ماهینی^۲، حسن جوادی نیا^۳، ادیبه نعیمی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، مؤسسه آموزش عالی فردوس رنجویان دانش برازجان، برازجان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

^۳ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، مؤسسه آموزش عالی فردوس رنجویان دانش برازجان، برازجان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، «بررسی تأثیر اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان با نقش واسطه گری سبک های فرزندپروری والدین: مورد مطالعه دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان» بود. روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه والدین دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر برازجان به تعداد ۱۵۸۶ نفر بود که به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، تعداد ۳۷۰ نفر از والدین به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسشنامه های اشتغال به شبکه های اجتماعی حجازی و همکاران (۱۳۹۵)، سازگاری دانش آموزان سینه ها و سینگ (۱۹۹۳) و سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) بود که روایی صوری و محتوایی آن ها مورد تأیید قرار گرفت و برای بررسی پایایی، نیز از آزمون کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه های مذکور، به ترتیب، ضرایب پایایی برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، تحلیل واریانس اندازه گیری های مکرر و آزمون مدل سازی معادلات ساختاری در قالب نرم افزارهای Lisrel و SPSS ۲۳ استفاده شد و نتایج حاصله نشان داد که اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان با نقش واسطه گری سبک فرزندپروری در دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت و معناداری داشته است. همچنین، طبق یافته ها، میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر جنبه های مختلف سازگاری (عاطفی، اجتماعی و آموزشی) در دانش آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشت. سبک های فرزندپروری مقتدرانه و سهل گیرانه بر جنبه های مختلف سازگاری در دانش آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشتند؛ اما سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری دانش آموزان تأثیر منفی و معناداری داشت. در نهایت، مشخص شد که سبک غالب فرزندپروری والدین، سبک مقتدرانه بوده است.

واژه های کلیدی: اشتغال به شبکه های اجتماعی، سازگاری دانش آموزان، سبک های فرزندپروری والدین، دانش آموزان

۱. مقدمه

در نظام تعلیم و تربیت هر کشوری، دانش آموزان هدفمندی پرورش می یابند که می توانند هدایت گر آینده ی آن کشور به سمت ترقی و توسعه باشند. از این رو، تعلیم و تربیت، می تواند جنبه های مختلف فردی، اجتماعی و روان شناختی افراد را به شدت تحت تأثیر قرار دهد [۱]. از سوی دیگر، شبکه های اجتماعی، بستری هستند که افراد، گروه ها و سازمان های گوناگون، پیرامون یک یا چند ویژگی و یا هدف مشترک، در آنها گرد هم می آیند و اطلاعات، مطالب و محتوای خویش را با یکدیگر به اشتراک می گذارند. امروزه، سرعت رشد شبکه های اجتماعی، به اندازه ای است که مجموع کاربران معروف ترین شبکه های اجتماعی مجازی، به بیش از یک میلیارد نفر می رسد، و در ایران نیز در کلیه ی افراد، و از جمله کودکان، در حال گسترش روزافزونی است [۲]. در یک تعریف کلی، اصطلاح شبکه های اجتماعی، یک مفهوم عمومی و بسیار گسترده است که به همه ی انواع شبکه های اجتماعی انسانی و گروه های اجتماعی انسان ها اشاره دارد و آن را نمی توان در چند ابزار مانند اینستاگرام و توییتر و یوتیوب خلاصه کرد. اما در رایج ترین تعریف امروزی از شبکه های اجتماعی، از آن ها به عنوان شبکه های اجتماعی مجازی یاد می شود که همان فناوری های رایانه ای هستند که باعث تسهیل ایجاد ارتباط و به اشتراک گذاری اطلاعات، علایق، ایده ها، و سایر شکل های گفتگو به وسیله ی جوامع و شبکه های مجازی (مانند فیسبوک، اینستاگرام، توییتر و غیره)، در قالب بسترهایی نظیر وب و تلفن همراه می شوند [۳]. براساس نتایج مطالعات مختلف، مشخص گردیده است که امروزه، بهره گیری از شبکه های اجتماعی به جزء جدایی ناپذیر زندگی تحصیلی یادگیرندگان تبدیل شده است و بر کلیه ی جنبه های زندگی تحصیلی دانش آموزان (از قبیل: مهارت ها، ارتباطات، هویت اجتماعی، انگیزش، خودپنداره، عملکرد یادگیری و غیره) تأثیرات قابل ملاحظه ای دارند. بر این اساس، می توان این گونه اذعان داشت که نوع نگرش و میزان استفاده از این شبکه ها، بر روی کلیه جوانب زندگی تحصیلی، از جمله سازگاری دانش آموزان تأثیرات بسزایی داشته است [۴]. سازگاری دانش آموزان، به مفهوم توانایی فراگیران در تطابق با محیط آموزشگاه و نیز وفق دادن خود با فشارهای درونی و بیرونی محیط مدرسه می باشد که اشاره به شرایط، درخواست ها، انتظارات، محیط، و ساختارهای اجتماعی حاکم بر محیط مدرسه دارد [۵] که به منزله ی یکی از ملزومات حوزه ی تعلیم و تربیت، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن همواره به عنوان یکی از موضوعات مورد علاقه و کاوش محققان این حوزه، مورد توجه بوده است [۶].

سازگاری، نشانگر رشد اجتماعی هر فردی است و به مفهوم روش پذیرش و انجام رفتار و کردار مناسب و صحیح و متناسب با تغییرات محیطی است که مفهوم متضاد آن، ناسازگاری است که اشاره به واکنش ناسازگارانه و نامناسب افراد به حضور یک یا چند عامل استرس زا دارد. سازگاری دانش آموزان، نیز مفهومی چندبعدی می باشد که علاوه بر تحصیل، عاطفه، انگیزه و ارتباطات فراگیران با دیگران را در بر می گیرد [۷ و ۸]. در یکی از رایج ترین و مشهورترین طبقه بندی ها، سینها و سینگ^۱ [۹]، سه خرده مقیاس عاطفی، اجتماعی و آموزشی (تحصیلی) را برای سازگاری دانش آموزان ارائه داده است که این سه جنبه، با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند و منجر به سلامت جسمی و روانی فراگیران و در نتیجه سلامت آینده ی جامعه می شوند [۱۰].

خانواده، اولین و مهم ترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است که افراد بشری در آن با شیوه های زندگی جمعی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می گردند [۱۱]. از منظر برونفربرونر و موریس^۲، نظریه ی سیستم های بوم شناختی، بر نقش محیط خانواده و والدین در رشد کودکان حمایت می کند. طبق این تئوری، سیستم های اجتماعی- فرهنگی گسترده ای در درون محیط خانواده تعبیه گردیده که سازگاری کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد [۶] و یکی از آن ها، کیفیت روابط والد- فرزند و شیوه های فرزندپروری است. در این میان، فرزندپروری یا پرورش کودک، جریان یا روندی از حمایت و ترقی بخشیدن کودک از لحاظ فکری، فیزیکی (جسمی)، عاطفی، روانی و اجتماعی از مرحله ی کودکی تا بزرگسالی است که به پیچیدگی های پرورش کودک برای یک رابطه ی بیولوژیکی اشاره دارد و به مفهوم رفتارهایی همچون: تربیت و پرورش، مراقبت، برآوردن نیازها، آموزش و برقراری روابط سالم در قبال فرزندان می باشد. در این راستا، سبک فرزندپروری یا اتخاذ شیوه هایی خاص به منظور

^۱. Sinha & Sing^۲. Bronfenbrenner & Morris

تربیت و پرورش فرزندان، بیانگر نوع نگرش والدین نسبت به فرزندان، قوانینی که معیار دانسته و فرزندانشان نیز می‌بایست آن‌ها را رعایت کنند و همچنین شناخت و آگاهی آنان از مسئله‌ی پرورش و تربیت می‌باشد [۱۲]. شیوه‌های متفاوتی برای فرزندپروری والدین مطرح گردیده است. بامریند^۲ [۱۳]، در یک تقسیم‌بندی رایج، سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را ارائه کرد و اظهار داشت که هر کدام از این سبک‌ها دارای پیامدهای مثبت و منفی در کودکان می‌باشند.

پیشینه‌ی داخلی و خارجی پژوهش، نیز حاکی از ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع حاضر در بین دانش‌آموزان می‌باشد. در این راستا، پوررشید [۱۴]، در مطالعه‌ای، نتیجه گرفت که شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دارای تأثیر معناداری بوده است. خالدی‌جمع [۱۵]، به این نتیجه دست یافت که سبک فرزندپروری والدین و ابعاد سه‌گانه، بر سازگاری دانش‌آموزان با مدرسه، تأثیر مثبت و معناداری دارد. طبق یافته‌ها، بیشترین تأثیرپذیری از طرف سبک مقتدرانه بوده است. مرادعلیزاده و همکاران [۱۶]، در مطالعه‌ای، به این نتیجه دست یافتند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با عملکرد تحصیلی و سازگاری دانش‌آموزان (با مؤلفه‌های سه‌گانه: هیجانی، تحصیلی و اجتماعی) رابطه منفی و معکوس معناداری وجود دارد. ملائی‌علی‌آباد و همکاران [۱۷]، نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین با روابط بین فردی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. اما بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با روابط بین فردی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی منفی و معناداری وجود داشته است. بابایی [۱۱]، به این نتیجه دست یافت که رابطه‌ی معناداری بین سبک فرزندپروری والدین (و کلیه‌ی مؤلفه‌های آن) با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان وجود دارد. بابایی و همکاران [۱۷]، به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری میان سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه، کمالگرایی و تفکر خلاق وجود داشته است. همچنین، طبق یافته‌ها، از بین مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری، سبک مستبدانه به صورت منفی و سبک مقتدرانه نیز به صورت مثبت از قدرت پیش‌بینی معناداری برای متغیر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان برخوردار بوده‌اند که قدرت پیش‌بینی سبک مقتدرانه بیشتر از سبک مستبدانه بود. شمسی و همکاران [۱۸]، در مطالعه‌ای، نشان دادند که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. به این صورت که بین دو سبک سهل‌گیرانه و مستبدانه با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک مقتدرانه با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود داشت. لیو^۴ و همکاران [۳]، نیز به این نتیجه دست یافتند که رسانه‌های اجتماعی بر سلامت روان و سازگاری کودکان تأثیر معناداری داشته است. طبق یافته‌ها، میزان استفاده کودکان از شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و توییتر) بسیار بالا بود و استفاده‌ی افراطی از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی منجر به کاهش سلامت روان و سازگاری کودکان شده بود. سان^۵ [۱۹]، در مطالعه‌ای، به این نتیجه دست یافت که والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه، نظارت، راهنمایی، حمایت و سازگاری بیشتری را با فرزندان خود بروز می‌دادند و علی‌رغم اهمیت دادن به تجارب عاطفی دانش‌آموزان، محیط ایده‌آلی نیز برای ترویج انتظارات مناسب برای فرزندان فراهم ساخته بودند. اوزگار^۶ [۲۰]، نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مسامحه‌کارانه، با وابستگی کودکان و نوجوانان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معناداری داشته است. طبق یافته‌های این مطالعه، کودکان و نوجوانان دارای والدین با سبک بی‌اعتنا (سهل‌گیرانه) بیشترین میزان اعتیاد اینترنتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را از خود بروز داده بودند. نسلیحان و مروه^۷ [۲۱]، نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری ملایم و تنبیهی، بهترین سبک‌ها برای تبیین رفتارهای اجتماعی کودکان می‌باشند. دیاکونوگراسیم و ماریان^۸ [۲۲]، در مطالعه‌ای، به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های فرزندپروری والدین، دارای

^۲. Baumrind

^۴. Liu

^۵. Sun

^۶. Özgür

^۷. Neslihan & Merveh

^۸. Diaconu-Gherasim & Mairean

رابطه معناداری با سازگاری دانش‌آموزان، جهت‌گیری هدف و پیشرفت تحصیلی در آنان می‌باشد. پنگ^۹ [۲۳]، نشان داد که سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری دانشجویان تأثیر معناداری دارند.

با در نظر گرفتن مطالب فوق‌الذکر، می‌توان گفت که استفاده‌ی صحیح و اصولی از شبکه‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان و سبک‌های فرزندپروری مناسب والدین، از جمله عوامل تأثیرگذار بر افزایش سازگاری (اجتماعی، تحصیلی و عاطفی) دانش‌آموزان، ایجاد یادگیری ثمربخش، و بهبود عملکرد و پیشرفت تحصیلی آنان محسوب می‌گردد. اما به نظر می‌رسد که با وجود موانع، فشارها و چالش‌های فراوانی که پیش روی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی (کودکان ۶ تا ۱۲ ساله) قرار دارد، به نظر می‌رسد امروزه اکثریت والدین از سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد و ضعیف در مواجهه با کودکان خود استفاده می‌کنند و مصرف افراطی و نادرست شبکه‌های اجتماعی مجازی توسط کودکان نیز تهدیدی جدی برای سازگاری، انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان قلمداد می‌گردد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که در مجموعه مقالات گزارش شده داخلی و خارجی، مطالعه‌ای که به طور جامع و منسجم به بررسی تأثیر توأمان اشتغال به شبکه‌های اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری دانش‌آموزان پرداخته باشد، صورت نگرفته است. لذا، با توجه به خلاء پژوهشی موجود در این زمینه، این مطالعه درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که: آیا اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان با نقش واسطه‌گری سبک‌های فرزندپروری والدین در دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان با نقش واسطه‌گری سبک فرزندپروری در دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. میزان استفاده و نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۲. میزان استفاده و نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۳. میزان استفاده و نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۴. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۵. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۶. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.
۷. سبک غالب فرزندپروری والدین دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان، سبک مقتدرانه می‌باشد.

^۹. Peng

۳. روش شناسی پژوهش

الف) روش پژوهش، جامعه و حجم نمونه

این مطالعه، از نظر هدف و ماهیت، کاربردی است و از نظر زمان، حال نگر و از نظر نحوه گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی براساس مدل سازی معادلات ساختاری بوده است. جامعه آماری پژوهش، شامل مادران کلیه دانش آموزان پسر پایه ی ششم ابتدایی شهر برازجان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۰۴ به تعداد ۱۵۸۶ نفر بوده است که با استفاده از روش خوشه ای چندمرحله ای، ۳۷۰ نفر از مادران (۲۱۵ نفر از مادران دانش آموز مدارس دولتی و ۱۵۵ نفر از مادران دانش آموز مدارس غیر دولتی) به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند.

ب) ابزار سنجش

جهت گردآوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شد که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته اند:

الف) اشتغال به شبکه های اجتماعی. به منظور سنجش اشتغال به شبکه های اجتماعی در دانش آموزان، از پرسشنامه ی اشتغال به شبکه های اجتماعی حجازی و همکاران [۲۴]، استفاده شد که این مقیاس دارای ۳۰ سؤال در دو خرده مقیاس نگرش به شبکه های اجتماعی و میزان استفاده از شبکه های اجتماعی است. سؤالات این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه ای (خیلی کم = ۱ الی خیلی زیاد = ۵) توصیف شده اند. حجازی و همکاران، روایی صوری، محتوایی و ملاک این مقیاس را با استفاده از دو روش نظرسنجی از خبرگان و تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار داده و مناسب گزارش دادند. آن ها همچنین، با استفاده از آزمون کرونباخ، پایایی پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند که در نتیجه، برای کل مقیاس، ضریب آلفای ۰/۹۱ را محاسبه و گزارش دادند و برای خرده مقیاس های نگرش به شبکه های اجتماعی و میزان استفاده از شبکه های اجتماعی نیز به ترتیب، ضرایب آلفای ۰/۸۱ و ۰/۸۸ را گزارش دادند.

ب) سازگاری دانش آموزان. به منظور سنجش میزان سازگاری دانش آموزان، نیز از پرسشنامه ی سازگاری دانش آموزان سینه ها و سینگ [۹]، استفاده شد که دارای ۶۰ سؤال در سه خرده مقیاس سازگاری عاطفی، اجتماعی و آموزشی می باشد و برای پاسخگویی به سؤالات آن، نیز از دو گزینه ی بله و خیر استفاده شده است. شایان ذکر است که دامنه ی امتیازات این پرسشنامه، عددی بین صفر الی ۶۰ خواهد بود که هر چقدر مجموع امتیازات پاسخگویان به عدد ۶۰ نزدیک تر باشد، به معنی بالا بودن سطح سازگاری آن هاست. علی مهدی و همکاران [۲۵]، در مطالعه ای، روایی صوری، محتوایی و ملاک این مقیاس را مناسب ارزیابی کردند. آن ها همچنین، پایایی پرسشنامه را با استفاده از چهار روش آلفای کرونباخ، کودر ریچاردسون، دو نیمه کردن و بازآزمایی مورد ارزیابی قرار دادند و در هر چهار آزمون مذکور، به ترتیب، ضریب آلفای ۰/۹۴، ۰/۲۰، ۰/۹۵ و ۰/۹۳ را برای کل پرسشنامه محاسبه و گزارش دادند که مقادیر بالا و قابل قبولی بودند.

ج) سبک فرزندپروری. در این مطالعه، به منظور سنجش سبک های فرزندپروری والدین، از پرسشنامه ی سبک فرزندپروری بامریند [۱۳]، استفاده شد که دارای ۳۰ سؤال در خرده مقیاس های سه گانه ی: سبک سهل گیرانه، سبک مقتدرانه (قاطع و اطمینان بخش) و سبک مستبدانه می باشد که سؤالات مربوطه در طیف لیکرت ۵ درجه ای (از کاملاً مخالف = ۱ الی کاملاً موافق = ۵) توصیف گردیده است. یعقوبی دوست و عنایت [۲۶]، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه را از طریق روش نظرسنجی مورد بررسی و تأیید قرار دادند. بورای^{۱۰} [۲۶]، با استفاده از روش بازآزمایی، برای سه خرده مقیاس سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه، به ترتیب، مقادیر آلفای ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۶ را گزارش داد و با استفاده از آزمون کرونباخ، نیز برای هر سه خرده مقیاس مذکور، به ترتیب، مقادیر آلفای ۰/۷۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ را گزارش داد که حاکی از قابل قبول و بالا بودن پایایی ابزار بوده است. یعقوبی دوست و عنایت [۲۶]، نیز پایایی این پرسشنامه را نیز با استفاده از آزمون کرونباخ بررسی کردند و مقادیر آلفای ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۴ را به ترتیب برای خرده مقیاس های: سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه گزارش دادند.

^{۱۰}. Borai

ج) روایی و پایایی ابزار سنجش

در این مطالعه، نیز با استفاده از روش نظرسنجی از متخصصان حوزه‌ی علوم تربیتی، روایی صوری و محتوایی هر سه پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار نیز با استفاده از آزمون کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ برای اشتغال به شبکه‌های اجتماعی، سازگاری دانش‌آموزان و سبک فرزندپروری والدین، به ترتیب، برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ به دست آمد که نشان از قابل قبول بودن پایایی ابزار داشت.

د) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر و آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزارهای Lisrel و SPSS^{۲۳} استفاده شد.

۴. یافته‌ها

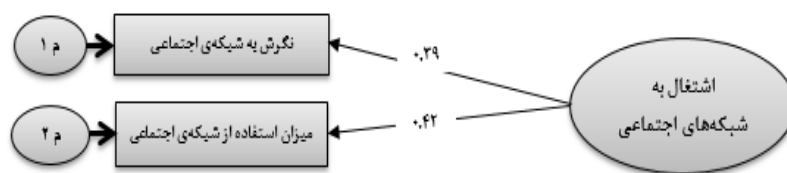
در بخش آمار توصیفی، مشخص شد که کلیه‌ی افراد مورد مطالعه (۳۷۰ نفر معادل ۱۰۰ درصد) را مادران تشکیل داده بودند. ۲۱۵ نفر از مادران (معادل ۵۸ درصد) متعلق به مدارس دولتی بودند که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. از مجموع مادران دانش‌آموزان عضو نمونه؛ ۱۸۹ نفر (معادل ۵۱ درصد) از مادران، دارای سن ۳۱ الی ۴۰ سال بوده‌اند که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. ۱۶۶ نفر از مادران (معادل ۴۵ درصد)، دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. همچنین، طبق یافته‌های توصیفی، مشخص شد که میانگین متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های مربوط به آن‌ها بالاتر از سطح متوسط و در حد مطلوبی هستند. در بخش آمار استنباطی، قبل از آزمون فرضیات، اقدام به آزمون نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف شد که طبق داده‌ها، هر سه متغیر مورد مطالعه (اشتغال به شبکه‌های اجتماعی، سازگاری دانش‌آموزان و سبک‌های فرزندپروری والدین)، دارای توزیع نرمال بودند و نتیجه گرفته شد که می‌توان برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد (جدول ۱).

جدول (۱): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای برازندگی توزیع نرمال داده‌ها

متغیرها	آماره‌ی کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه‌ی آزمون
اشتغال به شبکه‌های اجتماعی	۰/۰۶۷	۰/۱۱۲	داده‌ها نرمال است.
سازگاری دانش‌آموزان	۰/۰۸۳	۰/۰۹۲	داده‌ها نرمال است.
سبک فرزندپروری والدین	۰/۰۸۹	۰/۰۶۷	داده‌ها نرمال است.

فرضیه‌ی اصلی پژوهش، اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان با نقش واسطه‌گری سبک فرزندپروری در دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه‌ی اصلی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزار Lisrel استفاده شد. در مدل‌سازی معادلات ساختاری، خروجی‌های نرم‌افزار در دو گروه ضرایب و معیارها بررسی شدند. همچنین، ضرایب مدل در بارهای عاملی و ضرایب مسیر معیارها نیز در دو گروه معیارهای تعیین و معیارهای آزمون بررسی شدند. با توجه به اینکه در مدل‌سازی معادلات ساختاری، دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری وجود دارد، ابتدا مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت و همانطور که در شکل (۱) ملاحظه می‌گردد؛ کلیه‌ی بارهای عاملی مربوط به مؤلفه‌های اشتغال به شبکه‌های اجتماعی، بالاتر از ۰/۳ و معنادار بوده‌اند.



نمودار شماره (۱): بررسی مدل اندازه‌گیری اشتغال به شبکه‌های اجتماعی

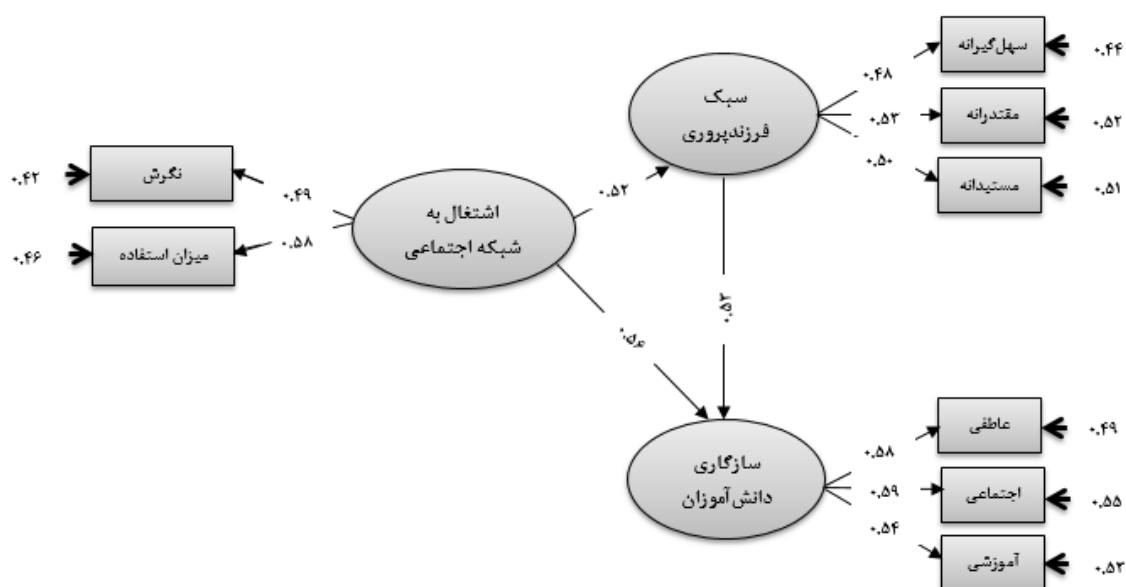
جدول شماره (۲): بررسی مدل اندازه‌گیری مؤلفه‌های اشتغال به شبکه‌های اجتماعی

متغیر	بتا	نسبت بحرانی	T	سطح معناداری
نگرش به شبکه‌های اجتماعی	۰/۳۹	۳/۱۶	۱	۰/۰۰۱
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۴۲	۳/۲۹	۱/۱۵	۰/۰۰۱

در مرحله‌ی دوم، مدل ساختاری مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۳). با توجه به مقدار بار عاملی ۰/۵۶ و همچنین نسبت بحرانی ۲/۶۶ که بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشد، می‌توان گفت اثر مستقیم اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان معنادار است. اثر مستقیم اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سبک فرزندپروری والدین نیز برابر با ۰/۵۲ بود که در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و با نسبت بحرانی ۲/۰۹ که بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشد، معنادار بود. در نهایت، اثر مستقیم سبک فرزندپروری والدین بر سازگاری دانش‌آموزان نیز برابر با ۰/۵۳ و با نسبت بحرانی ۳/۸۷ که بالاتر از ۱/۹۶ بوده است، معنادار برآورد شد. شایان ذکر است که همه‌ی این تأثیرات در سطح معناداری ۰/۰۱ که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، معنادار بوده‌اند.

جدول شماره (۳): پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
اشتغال به شبکه‌های اجتماعی ----- سازگاری دانش‌آموزان	۰/۵۶	۲/۶۶	۰/۰۰۳
اشتغال به شبکه‌های اجتماعی ----- سبک فرزندپروری	۰/۵۲	۲/۰۹	۰/۰۰۲
سبک فرزندپروری والدین ----- سازگاری دانش‌آموزان	۰/۵۳	۳/۸۷	۰/۰۰۱



نمودار شماره (۲): تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای سبک فرزندپروری والدین در تأثیر اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان

به منظور تعیین اثر غیر مستقیم و نقش واسطه‌گری سبک فرزندپروری والدین در تأثیر اشتغال به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری دانش‌آموزان، از روش بوت‌استرپ در برنامه‌ی ماکرو پریچر و هیز استفاده شد. جدول شماره (۴)، یافته‌های به دست آمده برای بررسی روابط غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ را نشان داده است. مندرجات این جدول، نشان داد که حد بالا و حد پایین تأثیر غیرمستقیم «اشتغال به شبکه‌های اجتماعی- سبک فرزندپروری- سازگاری دانش‌آموزان»، صفر را در بر نمی‌گیرد و این امر، از معنی‌داری این مسیر غیر مستقیم حکایت داشت.

جدول شماره (۴): نتایج بوت‌استرپ مسیرهای غیرمستقیم پژوهش

داده	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	حد بالا	حد پایین
اشتغال به شبکه‌های اجتماعی - سبک فرزندپروری - سازگاری دانش‌آموزان	۰/۰۴۶	۰/۰۰۷	۰/۰۳۹	۰/۲۱	۰/۰۵

در مرحله‌ی بعد، پارامترهای برازش کلی مدل مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۵) و مشخصه‌های نکویی برازش نیز نشان داد که مدل تحقیق از نظر کلیه‌ی شاخص‌ها، از برازش مطلوبی برخوردار بوده است.

جدول شماره (۵): شاخص‌های برازش کلی مدل

شاخص	X ^۲ /DF	CFI	IFI	NFI	RMSEA
	۲/۳۳	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۰۴۲

در نهایت، براساس مندرجات جداول و نمودارهای ارائه شده در فوق، مشخص گردید که در سطح معناداری یک درصد، اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان با نقش واسطه گری سبک فرزندپروری در دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H_1).

فرضیه ی فرعی اول. میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

برای بررسی و آزمون فرضیه ی فرعی اول و تعیین تأثیر میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان، از آزمون مدل سازی معادلات ساختاری در حالت ضرایب معناداری استفاده شد (جدول ۶). با توجه به مقدار بار عاملی (ضریب مسیر) $0/36$ و همچنین نسبت بحرانی (آماره ی تی محاسباتی) $3/33$ که بالاتر از $1/96$ می باشد، می توان گفت اثر مستقیم مؤلفه ی میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان معنادار بوده است. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه ی نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/39$ و نسبت بحرانی برابر با $2/56$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است و تمام تأثیرات در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H_1).

جدول شماره (۶): پارامترهای اندازه گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
میزان استفاده از شبکه های اجتماعی ----- سازگاری عاطفی	$0/36$	$3/33$	$0/000$
نگرش به شبکه های اجتماعی ----- سازگاری عاطفی	$0/39$	$2/56$	$0/001$

فرضیه ی فرعی دوم. میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون مدل سازی معادلات ساختاری (جدول ۷)، مقدار بار عاملی $0/33$ و همچنین نسبت بحرانی $3/56$ که بالاتر از $1/96$ می باشد، حاکی از معناداری اثر مستقیم مؤلفه ی میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان بود. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه ی نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/37$ و نسبت بحرانی برابر با $3/11$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است. تمام تأثیرات در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H_1).

جدول شماره (۷): پارامترهای اندازه گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
میزان استفاده از شبکه های اجتماعی ----- سازگاری اجتماعی	$0/33$	$3/56$	$0/001$
نگرش به شبکه های اجتماعی ----- سازگاری اجتماعی	$0/37$	$3/11$	$0/001$

فرضیه‌ی فرعی سوم. میزان استفاده و نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

بر اساس نتایج حاصله از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری (جدول ۸)، مقدار بار عاملی $0/35$ و همچنین نسبت بحرانی $3/17$ که بالاتر از $1/96$ می‌باشد، حاکی از اثر مستقیم مؤلفه‌ی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان معنادار بوده است. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/30$ و نسبت بحرانی برابر با $3/66$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است. تمام تأثیرات در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، میزان استفاده و نگرش به شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H^1).

جدول شماره (۸): پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی ----- سازگاری آموزشی	$0/35$	$3/17$	$0/001$
نگرش به شبکه‌های اجتماعی ----- سازگاری آموزشی	$0/30$	$3/66$	$0/001$

فرضیه‌ی فرعی چهارم. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

بر اساس یافته‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری (جدول ۹)، مقدار بار عاملی $0/39$ و همچنین نسبت بحرانی $3/71$ که بالاتر از $1/96$ حاکی از اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان معنادار بوده است. در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/36$ - و نسبت بحرانی برابر با $3/58$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/40$ و نسبت بحرانی برابر با $3/69$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است و تمام تأثیرات نیز در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H^1).

جدول شماره (۹): پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ----- سازگاری عاطفی	$0/39$	$3/71$	$0/001$
سبک فرزندپروری مستبدانه ----- سازگاری عاطفی	$-0/36$	$3/58$	$0/001$
سبک فرزندپروری مقتدرانه ----- سازگاری عاطفی	$0/40$	$3/69$	$0/002$

فرضیه‌ی فرعی پنجم. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (جدول ۱۰)، مقدار بار عاملی $0/42$ و همچنین نسبت بحرانی $2/17$ که بالاتر از $1/96$ حاکی از اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان

معنادار بوده است. در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/39$ - و نسبت بحرانی برابر با $3/28$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/37$ و نسبت بحرانی برابر با $2/11$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است کهککه تأثیرات در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H_1).

جدول شماره (۱۰): پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ----- سازگاری اجتماعی	$0/41$	$2/17$	$0/001$
سبک فرزندپروری مستبدانه ----- سازگاری اجتماعی	$-0/39$	$3/28$	$0/001$
سبک فرزندپروری مقتدرانه ----- سازگاری اجتماعی	$0/42$	$2/11$	$0/001$

فرضیه‌ی فرعی ششم. سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر دارد.

براساس داده‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری (جدول ۱۱)، بار عاملی $0/29$ و همچنین نسبت بحرانی $2/32$ که بالاتر از $1/96$ حاکی از اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان معنادار بوده است. در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/35$ و نسبت بحرانی برابر با $2/45$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است. همچنین، در بررسی معناداری اثر مستقیم مؤلفه‌ی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، مقدار بار عاملی، برابر با $0/38$ و نسبت بحرانی برابر با $2/85$ به دست آمد که بالاتر از $1/96$ بوده است که تأثیرات در سطح معناداری $0/01$ معنادار بودند. بنابراین مدل ساختاری، حاکی از این است که در سطح معناداری $0/01$ ، سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه) بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر معناداری دارد (تأیید فرضیه H_1).

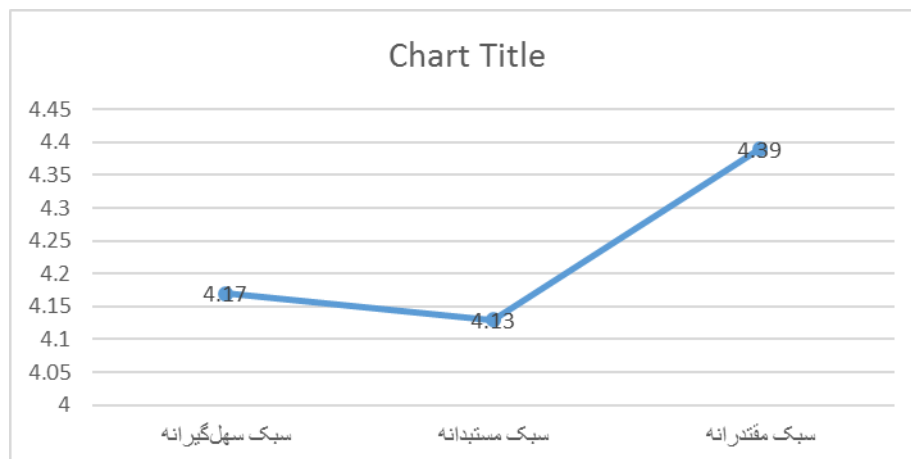
جدول شماره (۱۱): پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر علی	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ----- سازگاری آموزشی	$0/29$	$2/32$	$0/002$
سبک فرزندپروری مستبدانه ----- سازگاری آموزشی	$-0/35$	$2/45$	$0/001$
سبک فرزندپروری مقتدرانه ----- سازگاری آموزشی	$0/38$	$2/85$	$0/001$

فرضیه‌ی فرعی هفتم. سبک غالب فرزندپروری والدین دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان، سبک مقتدرانه می‌باشد. به منظور بررسی این فرضیه و تعیین سبک غالب فرزندپروری والدین، از تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد که نتایج به دست آمده، در جدول (۱۲) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (۱۲): تحلیل واریانس اندازه گیری های مکرر برای مقایسه ی سبک های فرزند پروری مادران

شیوه فرزند پروری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میزان F	df ^۱	df ^۲	سطح معناداری
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۳۷۰	۴/۱۷	۰/۲۸	۱۷/۳۴۴	۳	۳۶۷	۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مستبدانه	۳۷۰	۴/۱۳	۰/۳۱				
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۳۷۰	۴/۳۹	۰/۳۶				



نمودار شماره (۳): اولویت بندی ابعاد شیوه های والدگری مادران

براساس داده های آزمون تحلیل واریانس اندازه گیری های مکرر، در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱، از بین مؤلفه های ۳ گانه سبک های فرزند پروری، بیشترین میانگین مربوط به سبک فرزند پروری مقتدرانه (۴/۳۹) می باشد. سبک فرزند پروری سهل گیرانه (با میانگین ۴/۱۷) و سبک فرزند پروری مستبدانه نیز (با میانگین ۴/۱۳) در اولویت های بعدی سبک های مورد استفاده ی مادران قرار گرفتند. به تعبیری دیگر، سبک غالب فرزند پروری مادران، سبک فرزند پروری مقتدرانه بوده است و سبک مستبدانه نیز کم اهمیت ترین سبک فرزند پروری برای مادران بود (جدول ۱۲ و نمودار ۳). در ادامه، برای بررسی کیفیت تفاوت بین میانگین های مذکور و بررسی تفاوت دو به دو میانگین ها یا ترکیب خطی، از آزمون تعقیبی بونفرونی^{۱۱} استفاده شد که نتایج حاصله در جدول شماره (۱۳) آمده است. براساس نتایج به دست آمده از آزمون تعقیبی بونفرونی، نشان داده شد که مقدار p تعدیل شده برای تفاوت بین میانگین سبک سهل گیرانه و سبک مستبدانه، برابر با ۰.۳۱۷ و بزرگتر از ۰.۰۵ بوده است. مقدار p تعدیل شده برای تفاوت بین میانگین سبک سهل گیرانه و سبک مقتدرانه، برابر با ۱.۰۰۰ و بزرگتر از ۰.۰۵ بوده است. اما مقدار p تعدیل شده برای تفاوت بین میانگین سبک مقتدرانه و سبک مستبدانه، برابر با ۰.۰۴۹ و کمتر از ۰.۰۵ بوده است. بنابراین، می توان گفت که تنها تفاوت معنی دار، بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و سبک فرزند پروری مستبدانه رخ داده است.

جدول شماره (۱۳): نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مؤلفه های سه گانه ی سبک های فرزند پروری مادران

سهل گیرانه	مستبدانه
۰.۳۱۷	-
۱.۰۰۰	۰.۰۴۹

^{۱۱}. Bonferroni

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان با نقش واسطه گری سبک های فرزندپروری والدین: مورد مطالعه دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان بود. نتایج حاصله از آزمون کولموگروف-اسمیرنف، نشان داد که کلیه ی داده ها دارای توزیع نرمال هستند و در نتیجه از آزمون های پارامتریک برای بررسی فرضیه های پژوهش استفاده شد که در ادامه به تفسیر نتایج به دست آمده از پژوهش پرداخته شده است. در پاسخ به فرضیه ی اصلی پژوهش، مشخص شد که براساس نتایج به دست آمده از مدل سازی معادلات ساختاری، مشخص شد که مدل مفهومی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. طبق یافته های به دست آمده، اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشت؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در متغیر اشتغال به شبکه های اجتماعی، به همان میزان نیز بر سازگاری دانش آموزان افزوده می شد یا بالعکس. همچنین، طبق یافته های این فرضیه، نقش واسطه گری سبک فرزندپروری والدین در تأثیرگذاری اشتغال به شبکه های اجتماعی بر سازگاری دانش آموزان مورد تأیید قرار گرفت. در هم راستایی با یافته های این فرضیه، حیدری و همکاران [۶]، دیاکونوگراسیم و ماریان [۲۲]، و پنگ [۲۳] نشان دادند که بین سبک های فرزندپروری والدین با سازگاری دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. در پژوهش هایی مشابه، شمسی و همکاران [۱۸]، ارشادسرابی و همکاران [۲۷]، و مطهری نژاد و قاسمی نژاد [۲۸]، نیز نشان دادند که بین سبک های فرزندپروری والدین با استفاده ی دانش آموزان از شبکه های اجتماعی رابطه معناداری وجود داشته است؛ به این صورت که بین دو سبک سهل گیرانه و مستبدانه با میزان استفاده از شبکه های اجتماعی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک مقتدرانه با میزان استفاده از شبکه های اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود داشت. در پژوهشی دیگر، رستمی نژاد و شوکتی [۲۹]، نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه و سازگاری اجتماعی از قدرت تبیین عضویت دانش آموزان در شبکه های اجتماعی برخوردار بودند. اما سبک های سهل گیرانه و مستبدانه ی والدین قدرت تبیین عضویت دانش آموزان در شبکه های اجتماعی را نداشتند. آگباریا و بدیر^{۱۲} [۳۰]، در مطالعه ای، به این نتیجه دست یافتند که فرزندان دارای والدین سهل نگر و یا مستبد به سبب روابط ضعیف والدینی و فقدان حمایت های عاطفی والدین از آن ها، نشانگان اختلال اعتیاد به اینترنت بالایی را از خود بروز می دهند. در تبیین این یافته، قابل ذکر است که براساس نتایج پژوهش اوزگار [۲۰]، سبک های فرزندپروری مستبدانه و مسامحه کارانه، با وابستگی کودکان و نوجوانان به اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی رابطه معناداری دارد و کودکان و نوجوانان دارای والدین با سبک بی اعتنا (سهل گیرانه)، بیشترین میزان اعتیاد اینترنتی و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی را از خود بروز دادند. از منظر سان [۱۹]، نیز والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه، نظارت، راهنمایی، حمایت و سازگاری بیشتری را با فرزندان خود بروز می دهند و علی رغم اهمیت دادن به تجارب عاطفی دانش آموزان، محیط ایده آلی نیز برای ترویج انتظارات مناسب برای فرزندان فراهم می سازند. همچنین، از منظر لئو^{۱۳} و همکاران [۳۱]، انضباط و نگرش ضعیف و بی اثر والدین، منجر به وابستگی رفتاری فرزندان به اینترنت و استفاده ی افراطی از شبکه های اجتماعی می گردد. اما والدین روشنفکر و داری نگرش مثبت، باعث استفاده ی صحیح و مثبت فرزندان از اینترنت و شبکه های اجتماعی می شوند. از سوی دیگر، لیو و همکاران [۳]، نیز در مطالعه ی خود، به این نتیجه دست یافتند که رسانه های اجتماعی بر سازگاری کودکان تأثیر معناداری داشته است؛ به طوری که میزان استفاده ی کودکان از شبکه های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و توئیتر) بسیار بالا بود و استفاده ی افراطی از اینترنت و شبکه های اجتماعی منجر به کاهش سازگاری کودکان شده بود. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش های لین^{۱۴} و همکاران [۳۲] و کالپیدو^{۱۵} و همکاران [۳۳]، نیز مشخص شد که عضویت و تعاملات دانشجویان با دوستان مجازی در شبکه های اجتماعی (خصوصاً در شبکه های اجتماعی فیسبوک و اینستاگرام) با سازگاری اجتماعی آن ها رابطه ی معناداری داشته است. در تبیین این یافته، قابل ذکر است که سازگاری دانش آموزان، مفهومی

^{۱۲}. Agbaria & Bdier^{۱۳}. Lou^{۱۴}. Lin^{۱۵}. Kalpidou

چندبعدی می باشد که علاوه بر تحصیل، عاطفه، انگیزه و ارتباطات فراگیران با دیگران را در بر می گیرد [۷ و ۸]. از منظر سان [۱۹]، فرزندان دارای والدین مقتدر، بدون داشتن مشکلات رفتاری و روانی جدی و بخاطر سازگاری، احساس امنیت و استقلال بالایی که دارند، هنگامی که از شبکه های اجتماعی بهره می گیرند؛ بر روی عواطف و هیجانات خود کنترل خوبی دارند و لذا به وابستگی هیجانی و عاطفی ناشی از شبکه های اجتماعی و آسیب ارتباطی با کاربران دنیای مجازی دچار نمی شوند. بنابراین، پرواضح می باشد که اشتغال به شبکه های اجتماعی، دارای تأثیرات قابل ملاحظه ای بر سازگاری دانش آموزان در دوره ی ابتدایی است. در واقع، شبکه های اجتماعی، می توانند هم با ایجاد فرصت های ارتباطی و افزایش میزان تعامل با همسالان، به تقویت احساس تعلق و پذیرش اجتماعی در فراگیران کمک نمایند و هم می توانند به سبب استفاده ی بیش از حد توسط فراگیران، موجب کاهش تعاملات حضوری، احساس عدم کفایت و افسردگی، افزایش مقایسه ی خود با دیگران، و در نهایت، کاهش سلامت روانی- جسمانی در آنان گردد [۱۶].

در پاسخگویی به فرضیه ی فرعی اول، مشخص شد که میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه ی «میزان استفاده از شبکه های اجتماعی» و «نگرش به شبکه های اجتماعی»، به همان میزان نیز بر سازگاری عاطفی دانش آموزان افزوده می شد یا بالعکس. همچنین، لازم به ذکر است که طبق یافته ها، قوی ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری عاطفی دانش آموزان، توسط مؤلفه ی «نگرش به شبکه های اجتماعی» صورت می گرفته است. در عدم همراهی با این فرضیه، طبق یافته های به دست آمده از پژوهش رستمی نژاد و شوکتی [۲۹]، رابطه ی معناداری بین سازگاری عاطفی دانش آموزان با عضویت در شبکه های اجتماعی یافت نشد. شاید بتوان دلیل این عدم همراهی را به تفاوت در جامعه ی آماری یا ابزار اندازه گیری هر دو مطالعه نسبت داد. از سوی دیگر، در عدم همراهی با یافته های این فرضیه که حاکی از تأثیر مثبت و معنادار میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بر سازگاری عاطفی دانش آموزان بوده است، مرادعلیزاده و همکاران [۱۶]، نشان دادند که بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با سازگاری عاطفی (هیجانی) دانش آموزان رابطه منفی و معکوس معناداری وجود داشته است. شاید بتوان دلیل این عدم همراهی را به تفاوت در جامعه ی آماری یا ابزار اندازه گیری هر دو مطالعه نسبت داد. در تبیین این یافته ی پژوهشی، می توان این چنین ادعان داشت که منظور از سازگاری عاطفی (هیجانی)، آن میزان شناختی است که یک فرد از خودش در مورد عواطف، احساسات و هیجاناتش و در رابطه با دیگر افراد دارد [۶]. از سوی دیگر، منظور از اشتغال به شبکه های اجتماعی، نوع نگرش و میزان استفاده از شبکه های الکترونیکی ارتباطات متقابل در بین گروهی از افراد می باشد که پیرامون یک علاقه یا یک هدف مشترکی ایجاد گردیده و در برخی از اوقات، فی نفسه، ایجاد ارتباط به هدف تبدیل می گردد [۲۴]. در واقع، شبکه های اجتماعی به منزله ی یکی از ابزارهای عمده ی ایجاد تعاملات اجتماعی در دنیای معاصر، تأثیرات عمیق و چندوجهی بر رشد هوش هیجانی افراد دارد و می تواند به چالش هایی در این زمینه منجر گردد [۳۴]. مشکلات در سازگاری عاطفی دانش آموزان، می تواند بر روی تعهدات فردی و اجتماعی آنان تأثیرات بسزایی گذاشته و منجر به بروز مشکلاتی در سلامتی فردی و اجتماعی شان گردد. زیرا هنگامی که تعاملات اجتماعی آنان گسسته شود، توانایی آنان در خودتنظیمی و مدیریت رفتارها و هیجانات از بین رفته و در نتیجه دچار ناسازگاری نامطلوبی با مدرسه و عوامل آموزشی و حتی خانواده ها می شوند که بر روی انگیزش و سلامت روان آنان تأثیرات منفی قابل توجهی گذاشته [۳۵] و در نهایت موجب برخورداری از عملکرد روانی ضعیف از قبیل خودپنداره ی منفی، احساس گناه، عزت نفس پایین، ناامیدی، نارضایتی از زندگی و انزوای طلبی در دانش آموزان می شود [۳۴].

در پاسخگویی به فرضیه ی فرعی دوم، مشخص شد که میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه ی «میزان استفاده از شبکه های اجتماعی» و «نگرش به شبکه های اجتماعی»، به همان میزان نیز بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان افزوده می شد یا بالعکس. همچنین، لازم به ذکر است که طبق یافته ها، قوی ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان، توسط مؤلفه ی «نگرش به شبکه های اجتماعی» صورت می گرفته است. در راستای نتایج این

فرضیه، پوررشید [۱۴]، نشان داد که شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان تأثیر معناداری داشته است. طبق یافته های به دست آمده از پژوهش رستمی نژاد و شوکتی [۲۹]، نیز بین عضویت در شبکه های اجتماعی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه منفی و معناداری حاکم بود. از سوی دیگر، در عدم همراستایی با یافته های این فرضیه که حاکی از تأثیر مثبت و معنادار میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان بوده است، مرادعلیزاده و همکاران [۱۶] و نریمانی و حاجی قاضی [۳۶]، نشان دادند که بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه منفی و معکوس معناداری وجود داشته است. شاید بتوان دلیل این عدم همراستایی را به تفاوت در جامعه آماری یا ابزار اندازه گیری هر دو مطالعه نسبت داد. می توان این گونه اذعان داشت که سازگاری اجتماعی، نشانگر رشد اجتماعی هر فردی است و به مفهوم روش پذیرش و انجام رفتار و کردار مناسب و صحیح و متناسب با تغییرات محیطی است [۷ و ۸]. از منظر گرانیتز و کورینگ [۴]، امروزه، بهره گیری از شبکه های اجتماعی به جزء جدایی ناپذیر زندگی تحصیلی یادگیرندگان تبدیل شده است و بر کلیه جنبه های زندگی تحصیلی دانش آموزان (از قبیل: مهارت ها، ارتباطات، هویت اجتماعی، انگیزش، خودپنداره، عملکرد یادگیری و غیره) تأثیرات قابل ملاحظه ای دارند. بر این اساس، نوع نگرش و میزان استفاده از این شبکه ها، بر روی کلیه جوانب زندگی تحصیلی، از جمله سازگاری دانش آموزان با اجتماع تأثیرات بسزایی خواهد داشت.

در پاسخگویی به فرضیه فرعی سوم، مشخص شد که میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه «میزان استفاده از شبکه های اجتماعی» و «نگرش به شبکه های اجتماعی»، به همان میزان نیز بر سازگاری آموزشی دانش آموزان افزوده می شد یا بالعکس. همچنین، لازم به ذکر است که طبق یافته ها، قوی ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری آموزشی دانش آموزان، توسط مؤلفه «میزان استفاده از شبکه های اجتماعی» صورت می گرفته است. در پژوهشی مشابه، شریفی [۳۷]، نشان داده است که استفاده ی هوشمندانه و مدیریت شده از شبکه های اجتماعی، منجر به بهبود یادگیری و افزایش انگیزه و خلاقیت در بین دانش آموزان می گردد. در عدم همراستایی با این فرضیه که حاکی از مثبت و معنادار بودن تأثیر میزان استفاده و نگرش به شبکه های اجتماعی بر سازگاری آموزشی دانش آموزان بوده است، براساس نتایج مطالعه ی محمدی صادق [۳۸]، رابطه ی معناداری میان شبکه های اجتماعی با رویه ی تحصیلی دانش آموزان یافت نشد. همچنین، در عدم همراستایی با یافته های این فرضیه، مرادعلیزاده و همکاران [۱۶]، نشان دادند که بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با سازگاری تحصیلی (آموزشی) دانش آموزان رابطه منفی و معکوس معناداری وجود داشته است. شاید بتوان دلیل این عدم همراستایی ها را به تفاوت در جامعه آماری یا ابزار اندازه گیری مطالعات مذکور با مطالعه ی حاضر نسبت داد. می توان گفت که منظور از سازگاری آموزشی (تحصیلی)، مجموعه واکنش هایی است که فراگیر از طریق آن آماده می گردد تا پاسخی هماهنگ و همسو با شرایط محیط آموزشی و فعالیت های یادگیری، از خود ارائه نماید [۱۵]. از سوی دیگر، شبکه های اجتماعی، بستری هستند که سازمان ها، گروه ها و افراد گوناگون (از جمله فراگیران)، پیرامون یک یا چند ویژگی و یا هدف مشترک، در آنها گرد هم می آیند و اطلاعات، مطالب و محتوای خودشان را با یکدیگر به اشتراک می گذارند [۲] و در این میان، میزان استفاده و نوع نگرش به شبکه های اجتماعی در بین فراگیران، یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار و حیاتی در عملکرد تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش آموزان محسوب می گردد [۱۶] که بهره گیری بیش از حد و بی رویه از این شبکه ها، می تواند باعث ایجاد وابستگی و اعتیاد به فناوری، ایجاد حواس پرتی و افزایش اضطراب و استرس در فراگیران گردیده و مدیریت زمان را توسط آنها دشوار خواهد کرد [۲].

در پاسخگویی به فرضیه فرعی چهارم، مشخص شد که سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه و سهل گیرانه) بر سازگاری عاطفی دانش آموزان پسر پایه ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه «سبک سهل گیرانه» و «سبک مقتدرانه»، به همان میزان نیز بر سازگاری عاطفی دانش آموزان افزوده می شد یا بالعکس. همچنین طبق یافته ها، مشخص شد که سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری عاطفی دانش آموزان تأثیر منفی، معکوس و معناداری داشته است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در سبک فرزندپروری مستبدانه، به همان میزان نیز

از سازگاری عاطفی دانش‌آموزان کاسته می‌شد یا بالعکس. لازم به ذکر است که طبق یافته‌ها، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری عاطفی دانش‌آموزان، به ترتیب، توسط مؤلفه‌های «سبک فرزندپروری مقتدرانه» و «سبک فرزندپروری مستبدانه» صورت می‌گرفته است. در همین راستا، شجری و حجازی [۳۹]، نشان دادند که رابطه میان سبک‌های فرزندپروری مادران (سهل‌گیر، مستبدانه و مقتدرانه) با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان معنادار بوده است. در تبیین این یافته، قابل ذکر است که فرزندپروری یا پرورش کودک، جریان یا روندی از حمایت و ترقی بخشیدن کودک از لحاظ فکری، فیزیکی (جسمی)، عاطفی، روانی و اجتماعی از مرحله‌ی کودکی تا بزرگسالی است که به پیچیدگی‌های پرورش کودک برای یک رابطه‌ی بیولوژیکی اشاره دارد و به مفهوم رفتارهایی همچون: تربیت و پرورش، مراقبت، برآوردن نیازها، آموزش و برقراری روابط سالم در قبال فرزندان می‌باشد [۱۲]. خانواده، نیز به مثابه‌ی یکی از عوامل تأثیرگذار بر سازگاری کودکان [۱۸]، مناسب‌ترین بستر برای به فعلیت رسیدن توانایی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های انسانی است که عمده‌ترین بخش ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی افراد از قبیل رفتارهای اجتماعی، تحمل و بردباری در برابر دیگران، مسئولیت‌پذیری، و واکنش‌های عاطفی در آن شکل می‌گیرد [۱۱]. بنابراین، نوع سبک فرزندپروری والدین، می‌تواند پایدارترین و قوی‌ترین تأثیرگذاری را بر رشد عاطفی و شناختی کودکان داشته باشد [۱۷] و کاملاً پرواضح می‌باشد که در میان سبک‌های سه‌گانه‌ی مذکور، کودکان دارای والدین مقتدرانه، در بیان احساسات و عواطف فردی خود به میزان کمتری دچار وقفه و تعارض می‌شوند [۴۰].

در پاسخگویی به فرضیه‌ی فرعی پنجم، مشخص شد که سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه و سهل‌گیرانه) بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه‌ی «سبک سهل‌گیرانه» و «سبک مقتدرانه»، به همان میزان نیز بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان افزوده می‌شد یا بالعکس. همچنین طبق یافته‌ها، مشخص شد که سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر منفی، معکوس و معناداری داشته است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در سبک فرزندپروری مستبدانه، به همان میزان نیز از سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کاسته می‌شد یا بالعکس. لازم به ذکر است که طبق یافته‌ها، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، به ترتیب، توسط مؤلفه‌های «سبک فرزندپروری مقتدرانه» و «سبک فرزندپروری مستبدانه» صورت می‌گرفته است. بابایی [۱۱]، مقدم و پیکری‌فر [۴۱] و نوابخش و فتحی [۴۲]، نیز در مطالعات خود، به این نتیجه دست یافتند که رابطه‌ی معناداری بین سبک فرزندپروری والدین (و کلیه‌ی مؤلفه‌های آن) با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان وجود دارد. همچنین، در همراستایی با یافته‌های این فرضیه، ملائی‌علی‌آباد و همکاران [۱۲] و بابایی و همکاران [۱۷]، نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه (قاطعانه) والدین با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی منفی و معنادار وجود داشته است که قوی‌ترین تأثیرگذاری نیز به سبک مقتدرانه تعلق داشت. از سوی دیگر، در عدم همراستایی با یافته‌های این فرضیه که حاکی از مثبت و معنادار بودن تأثیر سبک سهل‌گیرانه بر سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان بوده است، ملائی‌علی‌آباد و همکاران [۱۲]، نشان دادند که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه‌ی منفی و معناداری وجود داشته است. شاید بتوان دلیل این عدم همراستایی را به تفاوت در جامعه‌ی آماری یا ابزار اندازه‌گیری هر دو مطالعه نسبت داد. نسلیمان و مروه [۲۱]، نیز به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های فرزندپروری ملایم و تنبیهی، بهترین سبک‌ها برای تبیین رفتارهای اجتماعی کودکان می‌باشند. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش تان^{۱۶} و همکاران [۴۳]، مشخص گردید که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه بر ناسازگاری رفتاری کودکان تأثیر معناداری داشته است. در تبیین یافته‌ی پژوهشی حاضر، از منظر دریسکول^{۱۷} و همکاران، قابل ذکر است که مطالعات مختلف، سبک‌های فرزندپروری والدین را یکی از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار و حیاتی در رشد فرزندان تلقی کرده‌اند و اذعان داشته‌اند که این سازه، با پیامدهای مهم و اصلی شناختی، رفتاری، اجتماعی، و هیجانی در ارتباط است [۴۴]. در این میان، با توجه به اینکه کیفیت

^{۱۶}. Tan^{۱۷}. Driscoll

روابط والد-فرزندی، از پیش‌بین‌های مهارت‌یابی کودکان در خصوص ایجاد سازگاری با جامعه و جامعه‌پذیری می‌باشد [۱۷]؛ از منظر منساح و مونیکا^{۱۸} [۴۵]، بین سبک‌های والدین معتبر و مقتدر با بروز رفتارهای اجتماعی خوب در کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و کودکان والدین دارای سبک مقتدرانه، از خودشان، رفتارهای مثبت اجتماعی از قبیل سازگاری، همکاری، همدلی، محبت و غیره بروز می‌دهند. این در حالی است که کودکان والدین دارای سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه، به احتمال زیاد، در بروز رفتارهای اجتماعی مثبت و سالم، دچار مشکلاتی می‌شوند که منجر به عدم پذیرش آنان از سمت اجتماع می‌گردد.

در پاسخگویی به فرضیه‌ی فرعی ششم، مشخص شد که سبک فرزندپروری والدین (مقتدرانه و سهل‌گیرانه) بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری داشتند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در دو مؤلفه‌ی «سبک سهل‌گیرانه» و «سبک مقتدرانه»، به همان میزان نیز بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان افزوده می‌شد یا بالعکس. همچنین طبق یافته‌ها، مشخص شد که سبک فرزندپروری مستبدانه بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان تأثیر منفی، معکوس و معناداری داشته است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در سبک فرزندپروری مستبدانه، به همان میزان از سازگاری آموزشی دانش‌آموزان کاسته می‌شد یا بالعکس. لازم به ذکر است که طبق یافته‌ها، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین میزان تأثیرگذاری بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، به ترتیب، توسط مؤلفه‌های «سبک فرزندپروری مقتدرانه» و «سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه» صورت می‌گرفته است. در راستای نتایج حاصله از این فرضیه، خالدی‌جمع [۱۵]، نشان داد که سبک فرزندپروری والدین (و مؤلفه‌های سه‌گانه)، بر سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، تأثیر مثبت و معناداری داشته است که قوی‌ترین تأثیرگذاری نیز به سبک مقتدرانه تعلق داشت. حیدری و همکاران [۶]، نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری آموزشی دانش‌آموزان رابطه قوی مثبت و معناداری وجود دارد. شجری و حجازی [۳۹]، نیز نشان دادند که رابطه میان سبک‌های فرزندپروری مادران (سهل‌گیر، مستبدانه و مقتدرانه) با سازگاری آموزشی (تحصیلی) دانش‌آموزان معنادار بوده است. در تبیین این یافته، شایان ذکر است که از منظر بامریند، در سبک سهل‌گیرانه، والدین، افرادی مهرورز و پذیرا می‌باشند؛ اما متوقع نبوده و از هر گونه اعمال کنترل بر کودکان خود، اجتناب می‌ورزند. در سبک مستبدانه، والدین متوقع هستند و برای تبعیت فرزندان از خود، آنچنان ارزش زیادی قائل می‌باشند که فرزندانشان دوست ندارند از آن‌ها پیروی نمایند. اما در سبک مقتدرانه، والدین از خودشان در قبال فرزندان، صمیمیت و محبت بروز داده و درخواست‌های معقول و پخته‌ای از فرزندان خود دارند که این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر اینکه کودکانشان باید از آنها تبعیت نمایند، به اجرا در می‌آورند [۱۳]. در واقع، از منظر بامریند [۴۶]، کودکانی که دارای والدین اقتدارگرا هستند، به صورت معنی‌دار از رشد بالایی برخوردار بوده، حالت‌های سرزندگی و شادابی بیشتری را تجربه خواهند کرد، و در غلبه یافتن بر تکالیف درسی جدید، از خودکنترلی، خودآگاهی و اعتماد به نفس بالایی بهره‌مند خواهند بود و در نتیجه به سطوح بالایی از پیشرفت تحصیلی دست خواهند یافت.

در پاسخگویی به فرضیه‌ی فرعی هفتم، مشخص شد که سبک غالب فرزندپروری والدین دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم شهر برازجان، «سبک مقتدرانه» بوده است؛ به این معنا که والدین (مادران) دانش‌آموزان، بیشتر از سبک فرزندپروری مقتدرانه برای تربیت فرزندان خود استفاده می‌کرده‌اند. همچنین، شایان ذکر است که «سبک مستبدانه» نیز به عنوان کم‌اهمیت‌ترین سبک فرزندپروری برای مادران شناسایی شد. نتایج به دست آمده از پژوهش مطهری‌نژاد و قاسمی‌نژاد [۲۸]، نیز با یافته‌های این فرضیه همراستا بوده است. در تبیین این یافته، طبق دیدگاه بامریند، می‌توان گفت که در سبک فرزندپروری مقتدرانه، والدین درخواست‌های معقول و پخته‌ای از فرزندان خود دارند که این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر اینکه کودکانشان باید از آنها تبعیت نمایند، به اجرا در می‌آورند. در عین حال، والدین از خود صمیمیت و محبت نیز بروز می‌دهند، صبورانه به نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های فرزندان خود گوش فرا داده و مشارکت و تصمیم‌گیری خانواده را ترغیب می‌نمایند [۱۳]. بنابراین، کودکانی که در خانواده‌های دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه رشد و پرورش می‌یابند، دارای احساس مشارکت و همکاری تیمی با بزرگسالان بوده و افرادی مستعد، باانرژی و استقلال‌طلب می‌باشند. آن‌ها همچنین، دارای خویشتن‌داری زیادی بوده و

^{۱۸}. Mensah & Monica

از عزت نفس، خودکنترلی، کنجکاوی و امنیت بیشتر و در نتیجه اختلالات شناختی- رفتاری کمتری نسبت به فرزندان دارای والدین مستبد و سهل گیر برخوردار خواهند بود. از سوی دیگر، از منظر ماسن^{۱۹} و همکاران، در خانواده های با سبک فرزندپروری اقتدارطلب؛ کودکان از خودشان میزان بالایی از صمیمیت، سازندگی، خلاقیت، اصالت، و کنجکاوی را نشان می دهند و به سبب آزادی معقولی که در این دسته از خانواده ها حکمفرما است، کودکان فرصت گفتگو با والدین را یافته و در اتخاذ تصمیمات مربوط به خانواده مشارکت داده می شوند. به طور کلی، کودکان دارای والدین مقتدرانه، به شدت پرنرزی، کنجکاو و فعال بوده و در بیان احساسات و عواطف فردی خود به میزان کمتری دچار وقفه و تعارض می شوند [۴۰].

منابع

- [۱] Solo, L. (۲۰۲۰). Educational Values of the Main Characters in the Importance of Being Earnest Drama by Oscar Wilde. *Dialectical Literature and Educational Journal*, ۵(۱), ۳۳-۴۲. <https://doi.org/10.51714/dlejpncasakti.v5i1.19>.
- [۲] رضوانی، ابوالقاسم، رضانی، فریدون؛ عجم، علی اکبر؛ محمدپور، هادی؛ پناهی شهری، محمود. (۱۳۹۸). بررسی نقش شبکه های اجتماعی مجازی و نگرش نسبت به آن بر سرزندگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز مطالعات و توسعه ای آموزش علوم پزشکی یزد، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۱۹۶-۱۸۱.
- [۳] Liu, T., Cheng, Y., Luo, Y., Wang, Z., Pang, P.C-I., Xia, Y., & Lau, Y. (۲۰۲۴). The Impact of Social Media on Children's Mental Health: A Systematic Scoping Review. *Healthcare*, ۱۲(۲۳), pp. ۱-۲۲. <https://doi.org/10.3390/healthcare12232391>
- [۴] Granitz, N., & Koernig, S.K. (۲۰۱۱). Web ۲.۰ and Marketing Education: Explanations and Experiential Applications. *Journal of Marketing Education*, ۳۳(۱), pp. ۵۷-۷۲.
- [۵] Essau, C. A., Sasagawa, S., & Frike, P.J. (۲۰۰۶). psychometric properties of the Alabama parenting questionnaire. *Journal of child and family studies*, ۱۵(۱), pp. ۵۹۷-۶۱۶.
- [۶] حیدری، فاضله؛ حاجیلو، جلیل؛ فلاحی، وحید. (۱۳۹۷). نقش شیوه های فرزندپروری و سبک های دلبستگی در پیش بینی سازگاری دانش آموزان با مدرسه، روانشناسی مدرسه و آموزشگاه، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)، صص ۱۵۲-۱۳۸.
- [۷] Fiftinova, F. (۲۰۲۱). Social Adjustment and Academic Achievements of efl Students at Higher Education. *The Journal of English Literacy Education: The Teaching and Learning of English as a Foreign Language*, ۸(۲), pp. ۱۳۸-۱۴۹. <http://dx.doi.org/10.36706/jele.v8i2.14328>.
- [۸] Liran, B., & Miller, P. (۲۰۱۹). The role of psychological capital in academic adjustment among university students. *Journal of Happiness studies*, ۲۰(۱۲), pp. ۵۱-۶۵. <https://doi.org/10.1007/s10902-017-9933-3>.
- [۹] Sinha, A. K. P., & Singh, R. P. (۱۹۹۳). The adjustment Inventory for school students (AISS). Agra (India): National Psychological Corporation.
- [۱۰] قاسمی، سید علیرضا؛ خسروی، فائزه؛ خسروی، حسین؛ پورشافعی، هادی؛ میری، مینو. (۱۴۰۲). پیش بینی سازگاری دانش آموزان براساس فرهنگ مدرسه ای: نقش میانجی کیفیت زندگی در مدرسه، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۲۰، شماره ۵۲، صص ۸۱-۱۰۵.
- [۱۱] بابایی، فائزه. (۱۴۰۱). نقش و جایگاه سبک های فرزندپروری در افزایش سازگاری اجتماعی دانش آموزان دوره ی ابتدایی، دومین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر، <https://civilica.com>
- [۱۲] ملائی علی آباد، زهره؛ شجاع، مرتضی؛ بیان فر، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی رابطه ی سبک های فرزندپروری با روابط بین فردی و سازگاری دانش آموزان، اولین همایش ملی خانواده سالم، جامعه ی سالم، قائنات، <https://civilica.com>
- [۱۳] ابراهیمی زنگنه، حسن؛ کارشکی، حسین. (۱۳۹۶). رابطه ی بین مؤلفه های خانواده و شیوه های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، دوره ی ۳، شماره ی ۱۰، صص ۹۸-۱۱۳.

^{۱۹}. Masson

- [۱۴] پوررشید، فریده. (۱۴۰۲). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان نوجوان، هجدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی، تهران، <https://civilica.com>.
- [۱۵] خالدی‌جمع، مریم. (۱۴۰۲). بررسی سازگاری در بین دانش‌آموزان و تأثیرپذیری آن از سبک فرزندپروری والدین، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- [۱۶] مرادعلیزاده، علی؛ سلیمی، مهتاب؛ جهانیان، رمضان. (۱۴۰۲). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر عملکرد تحصیلی و سازگاری (هیجانی، تحصیلی و اجتماعی) در دانش‌آموزان، هجدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی، تهران، <https://civilica.com>.
- [۱۷] بابایی، انسیه؛ احمدی، عباس؛ گلستانی، طاهره؛ حسین‌زاده، شیرین. (۱۴۰۱). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس سبک‌های فرزندپروری، کمالگرایی و تفکر خلاق در دانش‌آموزان، روانشناسی تربیتی، دوره ۱۹، شماره ۴۷، صص ۱۶-۱.
- [۱۸] شمسی، امیر؛ بندک، موسی؛ قادرمیزی، حبیب‌اله. (۱۴۰۱). رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و وقوع رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان، هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه‌ی علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران، <https://civilica.com>.
- [۱۹] Sun, Y. (۲۰۲۳). The role of family on internet addiction: A model analysis of co-parenting effect. Cogent Social Sciences, ۹(۱), ۲۱۶۳۵۳۰. <https://doi.org/10.1080/23311886.2022.2163530>.
- [۲۰] Özgür, H. (۲۰۲۱). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of children and adolescents. Computers in Human Behavior, ۹۱(۳), pp. ۴۵۵-۴۱۴.
- [۲۱] Neslihan, S., Merve, İ. (۲۰۱۸). Parenting Styles as a Predictor of the Preschool Children's Social Behaviours, Participatory Educational Research (PER), ۵(۲), pp. ۱۸-۳۷.
- [۲۲] Diaconu-Gherasim, L. R., & Mairean, C. (۲۰۱۶). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. Learning and Individual Differences, In Press, Corrected Proof.
- [۲۳] Peng, G. (۲۰۱۵). Self-regulated learning behavior of college students of Art their Academic Achievement, Physics Procedia, ۲۳, pp. ۱۴۵۰-۱۴۵۶.
- [۲۴] حجازی، الهه؛ مقدم‌زاده، علی؛ قاسمی، مجید؛ نامداری، وحیده. (۱۳۹۵). طراحی و ساخت ابزار میزان و نگرش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بررسی رابطه آن با عملکرد تحصیلی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، دوره ۴، شماره ۳ (پی در پی ۱۵)، صص ۶۴-۷۹.
- [۲۵] علی‌مهدی، منصور؛ مجتبابی، مینا؛ فهیمی، صمد؛ کاظمی، آمنه‌سادات. (۱۳۹۲). پیش‌بینی سازگاری عاطفی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان براساس مدل زیستی شخصیت‌گری، علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۲۴۵-۲۴۰.
- [۲۶] یعقوبی‌دوست، محمود؛ عنایت، حلیمه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز، مطالعات راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲ (پی در پی ۸)، صص ۷۸-۶۱.
- [۲۷] ارشادسرابی، رزیتا؛ جهانگیری، مهدی؛ تقوایی، داوود. (۱۴۰۰). وابستگی به شبکه‌های مجازی و سبک‌های فرزندپروری در نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۵، شماره ۴، صص ۲۰۱-۲۱۲.
- [۲۸] مطهری‌نژاد، حسین؛ قاسمی‌نژاد، محدثه. (۱۳۹۷). تأثیر سبک‌های فرزندپروری اینترنت بر کاربرد اینترنت توسط دانش‌آموزان، مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۳۳۲-۳۰۰.
- [۲۹] رستمی‌نژاد، محمدعلی؛ شوکتی، احمدرضا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی عضویت در شبکه‌های مجازی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان براساس سبک‌های فرزندپروری و سازگاری، روانشناسی کاربردی، دوره ۱۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۸)، صص ۲۰۹-۱۹۲.

- [۳۰] Agbaria, Q., & Bdier, D. (۲۰۲۲). The role of parental style and self-efficacy as predictors of internet addiction among Israeli-Palestinian college students in Israel. *Journal of Family Issues*, ۴۳(۴), pp. ۸۷۵-۸۹۳. <https://doi.org/10.1177/0192513X21990869>
- [۳۱] Lou, Sh.J., Shin, R.C., Liu, H.T., Guo, Y-C., & Tseng, K.H. (۲۰۱۰). The influences of the sixth graders' parents' internet literacy and parenting style on internet parenting. *Turkish Online Journal of Educational Technology*, ۹(۴), pp. ۱۷۳-۱۸۴.
- [۳۲] Lin, J. -H., Peng, W., Kim, M., Kim, S. Y., & LaRose, R. (۲۰۱۱). Social networking and adjustments among international students. *New Media & Society*, ۱۹(۱), pp. ۴۲۱-۴۴۰.
- [۳۳] Kalpidou, M., Costin, D. & Morris, J. (۲۰۱۱). The relationship between facebook and the well-being of undergraduate college students. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*, ۱۴(۴), pp. ۱۸۳-۱۸۹.
- [۳۴] Emerson, E., & Liewellyn, G. (۲۰۱۸). Mental health of Australian mothers and fathers of young children at risk of disability. *Australian and New Zealand Journal of Public Health*, ۳(۲), pp. ۵۲-۵۹.
- [۳۵] George, N. I., & Ukpong, D. E. (۲۰۱۲). Adolescents' sex dieeeeential social adjustment pooblems and academic performance of junior secondary school students in Uyo Metropolitan City. *International Journal of Business and Social Science*, ۲(۱۸), pp. ۵۴۴-۵۵۲.
- [۳۶] نریمانی، محمد؛ حاجی قاضی، سارا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی بین استفاده از فضای مجازی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر، اولین همایش ملی روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، اردبیل، <https://civilica.com>
- [۳۷] شریفی، خدیجه. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، <https://civilica.com>
- [۳۸] محمدی‌صادق، سعید. (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی بر رویه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه‌ی دوم ناحیه‌ی ۲۱ زاهدان)، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۱۶، شماره ۳۶، صص ۱۴۵-۱۶۹.
- [۳۹] شجری، خدیجه؛ حجازی، مسعود. (۱۳۹۸). نقش میانجی سازگاری تحصیلی در رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری والدین با بلوغ عاطفی و ناگویی خلقی در دانش‌آموزان دختر شهر زنجان، راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۹-۲۴.
- [۴۰] بختیاری‌نیا، پریا. (۱۴۰۰). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری با نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در بین مادران دارای فرزند زیر ۷ سال شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۴۱] مقدم، احمد؛ پیکری‌فر، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و خودشکوفایی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی متوسطه‌ی دوم شهرستان شادگان، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، شادگان، <https://civilica.com>، ۹۷۱-۹۵۹
- [۴۲] نوابخش، مهرداد؛ فتحی، سروش. (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان، پژوهش دینی، دوره ۱، شماره ۲۲، صص ۶۳-۳۲.
- [۴۳] Tan, T.Z., Camras, L.A., Deng H., Zhang, M., & Lu, Z. (۲۰۱۲). Family stress, parenting styles, and behavioral adjustment in preschool-age adopted Chinese girls. *Early Childhood Research Quarterly*, ۲۷(۱), pp. ۱۲۸-۱۳۶.
- [۴۴] Driscoll, A. K., Russell, S. T., & Crockett, L. J. (۲۰۰۸). Parenting styles and youth well being across immigrant generations. *Journal of Family Issues*, ۲۹, pp. ۱۸۵-۲۰۹.
- [۴۵] Mensah, K., & Monica, K, A (۲۰۱۳). Influence of Parenting Styles on the Social Development of Children. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, ۲(۱۲), pp. ۱۲۴-۱۶۳.
- [۴۶] خانجانی، زینب؛ الهام‌فر، فریبا؛ هاشمی، تورج. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نشانه‌های افسردگی نوجوانان، علوم تربیتی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، صص ۱۰۶-۹۵.